

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۹

هزار و سیصد و نود - نیمسال اول

مقالات

- داوری‌های مختلط در قواعد جدید داوری اتاق بین‌المللی بازرگانی
 - مفهوم طلاق و موجبات آن در حقوق ایران و انگلیس
 - فواید جبران خسارات هسته‌ای بر مبنای کنوانسیون‌های بین‌المللی
 - حمایت از طب سنتی با تمسک به آیات قرآنی و مبانی فقهی
 - تزامن و توازن حقوق فرد و جامعه در دادرسی‌های کیفری
 - مفهوم نمایندگی در مجلس اول
- موضوع ویژه: یکصد و پنج سال تجربه قانون‌گذاری در ایران در بوته نقد
- نظارت مراجع صیانت از قانون اساسی بر تضمین اصل شفافیت قوانین
 - چالش‌های قانون‌گرایی: اعتبار و پایایی قانون
 - نسبت میان حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در نظام حقوقی مشروطه
 - جایگاه تشبیه در تدوین قوانین
 - جستاری بر مبانی نظری تقنین آزمایشی
 - رویکرد قانون‌گذاری به قراردادهای الکترونیکی
 - سنجش قدرت قوانین ثبت اختراع ایران با تأکید بر قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶
- ## نقد و معرفی
- در نام‌گذاری حقوق جنائی
 - تحقق رؤیای نظارت قضائی بر قطعنامه‌های شورای امنیت: تأملی بر رأی دیوان دادگستری اروپا در قضیه «فولمن» و «محمودیان»





حمایت از طب سنتی با تمسک به آیات قرآنی و مبانی فقهی

دکتر مهدی زاهدی* - سمیرا غلامدخت**

چکیده: در دنیای اسلام مسأله حمایت از دارایی‌های فکری و از جمله طب سنتی از مسائل مستحدثه است که موضوع مباحثات و مناقشات فراوانی بوده و فقها در رد یا پذیرش آن استدلال‌ات گوناگونی را مطرح کرده‌اند. به گواهی اسناد و مدارک گوناگون، کشور پهناور ایران از غنی‌ترین کشورها در زمینه طب سنتی محسوب می‌شود که ضروری است به منظور جلوگیری از وقوع سرقت زیستی، جایگاهی حقوقی برای حمایت از آن در نظر گرفته شود. با توجه به لزوم شرعی و اسلامی بودن قوانین ایران در این مقاله کوشش شده تا با تمسک به آیات قرآنی و مبانی فقهی مشروعیت حمایت از طب سنتی اثبات شود.
کلیدواژه‌ها: حقوق مالکیت فکری، طب سنتی، قرآن، مبانی فقهی، حق سلامت

مقدمه

آدمی از نخستین روزگاران که پا به روی این کره خاکی نهاد، تلاش نمود تا با استفاده از قوه تفکر و خلاقیت و امکاناتی که طبیعت پیرامون در اختیار نهاده، راهی برای بقا و زیستن و تسهیل زندگی بیابد. در واقع رنج بشر در مواجهه با سختی‌ها همواره به عنوان نیروی محرکی عمل کرده که او را به سمت یافتن چاره‌ای برای رهایی از مرارت‌ها سوق داده است. در بعد سلامت، طب سنتی به عنوان بخشی از هویت فرهنگی هر ملت نمایانگر خلاقیت، ابتکار و اندیشه بشری در تعامل با محیط پیرامون خویش است که در طول تاریخ

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

samiragholamdokht@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری

یک سرزمین در جستجوی راهی برای بقا و زیستن و حفظ سلامت بوده‌اند. سالیانی دراز طب سنتی، به عنوان دانشی که در تقابل با دانش مدرن که وامدار تمدن غربی است، درمانده و بعضاً در برخی زمینه‌ها غیرکاربردی و حتی خرافاتی و غیرعلمی در نظر گرفته می‌شد.

اما در سال‌های اخیر بازشناسی ارزش و اهمیت طب سنتی به عنوان دانشی که قادر به تأمین نیازهای درمانی خیل عظیمی از جمعیت جهان بوده، بی‌آنکه آسیبی به بدن انسان و محیط طبیعی اطراف وی وارد آورد، می‌تواند منبعی الهام بخش برای خلاقیت‌های بشری در زمینه‌های گوناگون پزشکی و داروسازی به شمار رود که در عین حال از ظرفیت بالایی برای تجاری‌سازی نیز برخوردار است، سبب شد تا جهانیان نگاه تازه‌ای به آن بیافکنند.

نظام حقوق مالکیت فکری به عنوان نظامی که هدفش حمایت از اندیشه‌ها و ابتکارات بشری است، در صدد برآمده تا جایگاهی برای این نوع از خلاقیت‌های فکری جوامع بومی و محلی به منظور حمایت از آن تعیین کند. در واقع این نظام خلق شده تا تلاش‌های فکری انسان را ارج نهد. طب سنتی هم با تمام ویژگی‌های منحصر به فرد خود یک آفرینه فکری محسوب می‌شود که در میان مصادیق گوناگون این نظام جایگاهی ویژه دارد، چرا که طب سنتی ثمره فکر یک یا چند فرد و حاصل تلاش امروز و دیروز نیست، بلکه تبلور اندیشه‌ها و تجربیات یک ملت در فراز و نشیب‌های تاریخ است. اگر مالکیت فکری ثمره اندیشه یک فرد را ارج می‌نهد، نمی‌تواند حاصل اندیشه هزاران هزار مردمان یک جامعه را به دیده اغماض بنگرد. بی‌شک وجدان بیدار و عقل سلیم نیز این بی‌عدالتی را بر نمی‌تابد.

در جهان اسلام مسأله حمایت از دارایی‌های فکری و از جمله طب سنتی از مسائل مستحدثه است، بدین معنا که در زمان شارع جامعه مبتلا به آن نبوده تا در خصوص آن قانون وضع شود. فقهای اسلام نیز در خصوص مشروعیت حمایت از دارایی‌های فکری به دو دسته تقسیم شده‌اند: عده‌ای مخالف و عده‌ای دیگر موافق مشروعیت حمایت از دارایی‌های فکری‌اند. بنابراین در این مقاله برآنیم تا با تمسک به آیات قرآنی و مبانی فقهی مشروعیت حمایت از طب سنتی را به اثبات برسانیم. در راستای تحقق این امر، این مقاله در سه بخش تنظیم شده است: در ابتدا دورنمایی از نظام حقوق مالکیت فکری ترسیم می‌شود، سپس به تفصیل به تشریح مفهوم طب سنتی و شاخه‌های آن، تاریخچه آن در ایران، ویژگی‌های طب سنتی و ضرورت و اهمیت حمایت از آن می‌پردازیم و در بخش سوم استدلالات فقهای اسلام را در باب مشروعیت یا عدم مشروعیت حمایت از طب سنتی مورد بررسی و مذاقه قرار می‌دهیم.

۱- نظام حقوق مالکیت فکری^۱

نظام حقوق مالکیت فکری برآیند سیر تاریخی پیشرفت تمدن بشر است. این نظام با وقوع انقلاب صنعتی و پیدایش صنعت چاپ در کشورهایمانند فرانسه و انگلیس و در پاسخ به نیاز جامعه به منظور حمایت حقوقی از اندیشه‌ها و صاحبان آن پا به عرصه نهاد. در جهان امروز برای اندیشه‌هایی که از حالت ایده محض مبدل به اثری نوین و بدیع گردیده ارزش اقتصادی قائل و از آن به دارایی فکری تعبیر می‌شود.

دارایی فکری ثمره تلاش فکری انسان در زمینه‌های گوناگون علمی، صنعتی، ادبی و هنری است و حقوق مالکیت فکری قواعد حمایت از دارندگان این اموال و منع دیگران از استفاده بدون رضایت صاحبان آن را معین می‌کند.

دارایی فکری به فراخور موضوع و زمینه مربوط دارای اشکال گوناگونی است. یک اندیشه می‌تواند به صورت یک اختراع، یک کتاب، یک علامت، یک طرح و ... جلوه‌گر شود. طب سنتی نیز نوعی دارایی فکری است، زیرا تبلور اندیشه و تجربیات هزاران هزار مردمان یک جامعه در فراز و نشیب‌های تاریخ یک سرزمین است و باید جایگاهی در نظام مالکیت فکری داشته باشد.

در این زمینه می‌توان از سیاق ماده (۸) ۲ کنوانسیون مؤسس سازمان جهانی مالکیت فکری که در ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ در استکهلم منعقد شده، سود جست. در این ماده تنوع دارایی‌های فکری و لزوم حمایت حقوقی از آنها به رسمیت شناخته شده است: «مالکیت فکری باید شامل موارد زیر باشد: آثار علمی، ادبی، هنری، اجرای هنرمندان مجری، فونوگرام و مخابره، اختراع در تمامی زمینه‌ها، کشفیات علمی، طرح‌های صنعتی، علائم خدماتی، نقش‌ها و اسامی تجاری، حمایت در برابر رقابت مکارانه و سایر حقوق ناشی از فعالیت‌های فکری در زمینه‌های صنعتی، علمی، ادبی یا هنری.»

هدف این نظام حمایت از اندیشه‌ها و ابتکارات بشری و ترویج فعالیت‌های خلاقانه است. البته باید توجه داشت که این حقوق به خود آن فکر و اندیشه تعلق می‌گیرد نه به تجسم خارجی و عینی آن^۲. این حمایت از یک سو سبب می‌شود افرادی که عمر خود را صرف مطالعه و تحقیق کرده‌اند از حاصل دسترنج خویش بهره‌ای برند و هم از سوی دیگر دستمایه‌ای برای ابداعات و خلاقیت‌های بیشتر باشد.

1. Intellectual Property Law

2. WIPO, *WIPO Intellectual Property Handbook: Policy, Law and Use*, Chapter 2, Fields of Intellectual Property, available at: <<http://www.wipo.int/export/sites>>, p. 3.

۲- طب سنتی

در این بخش ابتدا به تبیین مفهوم طب سنتی، شرح مختصری از تاریخچه و شاخه‌های آن پرداخته، سپس ویژگی‌های طب سنتی و ضرورت و اهمیت حمایت از آن بیان می‌شود.

۲-۱- مفهوم طب سنتی^۳

طب سنتی در بر گیرنده طیف گسترده‌ای از روش‌ها، دانش، عقاید بهداشتی و درمانی، داروهای گیاهی، حیوانی و معدنی، درمان‌های روحی، تکنیک‌های یدی و ورزش می‌شود که می‌توانند به طور منفرد یا مرکب برای حفظ تندرستی، معالجه، تشخیص و جلوگیری از بروز بیماری به کار روند.^۴

در برخی موارد اصطلاح طب مکمل و جایگزین نیز در خصوص طب سنتی به کار می‌رود. تفاوت طب جایگزین و مکمل در این است که طب جایگزین به جای یک شیوه درمانی به کار می‌رود، حال آنکه طب مکمل همزمان با یک روش درمانی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلاً استفاده از رایحه درمانی برای کاهش درد بیمار بعد از عمل جراحی نوعی طب مکمل و استفاده از رژیم غذایی خاص برای درمان سرطان به جای استفاده از شیمی‌درمانی گونه‌ای از طب جایگزین می‌باشد.

۲-۲- تاریخچه طب سنتی در ایران

واژه پزشکی یک واژه دیرینه ایرانی است که ریشه آن در اوستا «بئشه زه» به معنای «آسیب‌زدا» و «بئشه زو» به معنای «آسیب‌زدایی» می‌باشد. نخستین پزشک ایرانی فردی به نام تریتا یا اترت است که گویا در جراحی نیز دست داشته، از خواص دارویی گیاهان مختلف آگاه بوده و خودش عصاره آنها را استخراج می‌نموده است.^۵

طبق بررسی‌های دکتر پل هانسن که سالیان سال در زمینه طب سنتی و مکمل کار کرده است، تاریخچه طب از زمانی حدود ۸ هزار سال پیش از میلاد مسیح و از شکارچیان ایران باستان آغاز می‌شود که بعدها به صورت مکتبی درآمده که با انتقال به هند آیورودا نام می‌گیرد و با ورود به یونان قدیم مبنای طب عربی، یونانی در آینده می‌شود که این طب تا

3. Traditional Medicine

4. WHO, *Legal Status of Traditional Medicine and Complementary/ Alternative Medicine: A Worldwide Review*, 2001, available at: <http://whqlibdoc.who.int/hq/2001/WHO_EDM_TRM_2001.2.pdf>, p. 2.

۵. آموزش مقدماتی طب سنتی، بر اساس تقریرات محسن ناصری، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی تهران،

۱۵۰ سال پیش طب سنتی اروپا محسوب می‌شد و توسط اسلام در خاورمیانه و هند با عنوان طب یونانی ترویج شده است.^۶

در این مکتب مفهوم زندگی و سلامتی و نقطه مقابل آن که مرگ و بیماری است تابع اصول خاصی است، بدین معنا که نیروی حیات انسان وابسته به حیات و فعل و انفعالات طبیعت است، اعم از جماد و گیاه و انسان و... و اعم از زمین و دیگر کرات آسمانی، به نحوی که اگر خللی در این نظم این فعل و انفعالات و وجود انسان که رابطه‌ای نزدیک، مداوم و دوجانبه با آنها دارد، رخ دهد، اعمال حیاتی انسان نیز مختل شده و نتیجتاً بیماری به وجود می‌آید.^۷

از مهم‌ترین مکاتب طب سنتی ایران مکتب مزدیسنا است. این مکتب ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح توسط زرتشت پایه‌گذاری شد. اساس این مکتب بر «بهی‌بخشی» بود. در آن زمان مردم منشأ بیماری‌ها را حلول ارواح خبیثه در بدن انسان و قهر و خشم خدایان می‌دانستند، حال آنکه زرتشت خرافات را درهم شکست و گفت منشأ بیماری‌ها عدم رعایت بهداشت، کردارهای زشت و پلیدی است و اساس درمان را که ارضای خاطر خشمگین خدایان به وسیله فدیه‌های خونین بود در هم شکست و مبارزه با بیماری را در مرحله اول با گیاهان دارویی، در مرحله دوم با جراحی و در مرحله سوم با تلقین کلام مقدس و دعا توصیه نمود.^۸

از دوران طلایی طب سنتی در تاریخ ایران باستان تأسیس دانشگاه جندی شاپور و بیمارستان منضم به آن در زمان ساسانیان و حضور پزشکان یونانی در این دانشگاه محسوب می‌شود. توضیح آنکه در دوران شاپور اول و انوشیروان، بسیاری از دانشمندان ساکن یونان بر اثر اختلافات مذهبی که در روم شرقی پیش آمده بود، جلای وطن نموده و در ایران رحل اقامت افکنده و اتفاقاً مورد استقبال فراوان پادشاهان ساسانی نیز قرار گرفتند. نتیجه این رویداد تأسیس دانشگاه بزرگ جندی شاپور و بیمارستان منضم به آن بود.^۹

بعد از ظهور اسلام و در سایه تأکید این دین آسمانی بر کسب علم و معرفت، تاریخ بشریت شاهد دگرگونی عظیم و پیشرفتی شگرف در علوم گوناگون و از جمله طبابت شد. ایشان آنچه را که از نیاکان دریافته بودند با آنچه که خویش به علم و تجربه کسب کرده بودند، در هم آمیخته و مکتبی به وجود آوردند که در آن حفظ تندرستی و رعایت بهداشت

۶. همان، ص ۳۳.

۷. ابوتراب نفیسی، «نظری به طب سنتی یا قدیم ایران»، مجله وحید، ش ۳۷، بی‌تا، اصفهان، ص ۵۸.

۸. آموزش‌مقدماتی طب سنتی، بر اساس تقریرات دکتر محسن ناصری، ص ۳۲.

۹. همان، صص ۳۶-۳۵.

از اصول اولیه و درمان در مرحله دوم بود.

دو دوره مشخص در ترقی طب عربی وجود دارد: ۱- دوره ترجمه شاهکارهای طبیبی یونان به عربی ۲- دوره پزشکان عرب زبانی که تجربه گذشتگان را آزموده و اصلاح کرده و آثاری مستقل، از خود پدید آوردند.^{۱۰}

۲-۳- شاخه‌های طب سنتی

تعداد انواع مکاتب طب مکمل، سنتی و روش‌های درمانی، مکمل یا جایگزین به بیش از ۱۵۷ روش می‌رسد که در اینجا به بعضی از مهم‌ترین و شایع‌ترین موارد تنها اشاره‌ای کوتاه و گذرا می‌کنیم.

الف) طب سنتی چین: قدیمی‌ترین اسناد مربوط به طب سنتی چین به ۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد. تشخیص و معالجه بیماری‌ها مبتنی بر نگاهی کل‌نگر به بیمار و علائم بیماری است که به صورت تعادل بین عناصر متضاد^{۱۱} بیان می‌شود. اعمال این عناصر متضاد بر عملکرد متقابل عناصر پنج‌گانه‌ای که جهان را تشکیل می‌دهد اثر می‌گذارد: فلز، چوب، آب، آتش و زمین. درمانگران سطح عناصر متضاد را در طول ۱۲ نیمروز کنترل می‌کنند تا انرژی به بدن منتقل شود. این مکتب در برگیرنده طیف گسترده‌ای از روش‌های درمانی مثل طب سوزنی، طب گیاهی، داغ کردن فتیله‌ای، درمان‌های یدی، ورزش، تکنیک‌های تنفسی و رژیم‌های غذایی است. در این مکتب جراحی به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد. طب سنتی چین مخصوصاً طب سوزنی شایع‌ترین طب سنتی است.^{۱۲}

ب) آیورودا^{۱۳}: تاریخ شکل‌گیری آیورودا به ۱۰ قرن قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد، اما شکل کنونی آن مربوط به زمانی میان ۵۰۰ سال قبل از میلاد تا ۵۰۰ سال بعد از میلاد مسیح می‌شود. در متون سانسکریت آیورودا به معنای دانش زندگی است. فلسفه آیورودا در متون مقدس هندی یافت می‌شود (وداها). طبق فلسفه آیورودا تمام اشیا و موجودات زنده متشکل از پنج عنصر اساسی‌اند: زمین، آب، آتش، هوا و آسمان. به علاوه یک هماهنگی اساسی میان طبیعت و انسان‌ها وجود دارد که از آن به رابطه بین جهان صغیر و جهان کبیر تعبیر می‌شود که بنابر این تعبیر عملکرد هر یک بر دیگری تأثیرگذار است. آیورودا شیوه درمانی صرف نیست، بلکه روشی برای زندگی نیز می‌باشد. آیورودا شامل

۱۰. همان، صص ۳۹-۳۸.

11. Yin and Yng

12. WHO, *Legal Status of Traditional Medicine and Complementary/ Alternative Medicine: A Worldwide Review*, p. 3.

13. Ayurveda

داروهای گیاهی و استحمام شفابخش می‌شود. این مکتب به طور گسترده‌ای در آسیای جنوبی، مخصوصاً در بنگلادش، هند، نپال، پاکستان و سریلانکا کاربرد دارد.^{۱۴}

پ) طب یونانی^{۱۵}: طب یونانی مبتنی بر نظریه اخلاط چهارگانه بقراط است: خون، بلغم، صفرا و سودا. جالینوس (۱۳۱-۲۱۰ ب.م.)، رازی (۸۵۰-۹۲۵ ب.م.)، ابن سینا (۹۸۰-۱۰۳۷ ب.م.) بر پایه و اساس طب یونانی اثرات زیادی گذاشته و ساختار آن را شکل داده‌اند. طب یونانی از نظام طب سنتی چین، مصر، هند، عراق، ایران و سوریه نشأت گرفته و بعضاً طب عربی نیز نامیده می‌شود.^{۱۶}

ت) طب سوزنی: این مکتب که جزئی از طب سنتی چین است از حدود ۳۵۰۰ سال قبل به درمان بیماری‌های مختلف پرداخته و با تعیین حدود ۳۶۵ نقطه در روی بدن معتقد است که با تحریک آن نقاط می‌توان در کار بدن توازن برقرار کرده و اختلالات را اصلاح کرد. در این روش سوزن‌ها تا عمق ۴ تا ۲۵ میلی متر در بدن فرد فرو می‌شوند. درمانگران طب سوزنی عقیده دارند که بدن انسان دارای یک شبکه با کانال‌های متعدد انرژی می‌باشد که انرژی یا نیروی حیات درون آن گردش می‌کند.

به علت کاربردهای مختلف درمانی، عوارض جانبی کم، هزینه پائین و تأثیر سریع، این روش هم چنان مرسوم مانده و در حال حاضر هم به عنوان یک روش درمانی اولیه و هم در کنار سایر روش‌های درمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ث) هومیوپاتی^{۱۷}: روشی است که بر پایه تقویت توانایی سیستم خوددرمانی و دفاعی بدن یا «نیروی حیات» عمل می‌کند. برخلاف پزشکی رایج یا آلوپاتی که مبنای درمان را بر پایه سرکوب و تضاد با علل بیماری‌زا می‌گذارد، درمان‌های هومیوپاتی شکل رقیق شده‌ای از مواد بیولوژیکی با منشأ گیاهی، حیوانی یا معدنی است که در حالت عادی می‌توانند علائم مشابه بیماری را ایجاد کنند. این روش کم‌هزینه و فاقد مسمومیت دارویی است که می‌تواند در درمان بیماری‌های حاد و مزمن به کار رود اما بیشترین موفقیت را در درمان بیماری‌های مزمن داشته است. هومیوپاتی نگاهی کل‌نگر داشته و هنگام درمان به طور همزمان تمام جنبه‌های جسمانی، احساسی و روانی فرد را در نظر می‌گیرد و امروزه در غرب طرفداران زیادی پیدا کرده است.

ج) ماساژ درمانی^{۱۸}: از قدیمی‌ترین و ساده‌ترین مراقبت‌های بهداشتی است که از

14. WHO, *Legal Status of Traditional Medicine and Complementary/ Alternative Medicine: A Worldwide Review*, p. 2.

15. Unani

16. WHO, *Legal Status of Traditional Medicine and Complementary/ Alternative Medicine: A Worldwide Review*, p. 3.

17. Homeopathy

18. Massage Therapy

هزاران سال قبل استفاده می‌شده است. مصریان قدیم، یونانی‌ها، چینی‌ها و هندی‌ها در طب سنتی خود از ماساژ استفاده می‌کرده‌اند. در طب سنتی ایران نیز اعمال «دلک» با قواعد و دستورات خاص خود به کار می‌رفته است. در طب نوین نیز تا حدودی اقدامات فیزیوتراپی شبیه ماساژ درمانی می‌باشد.

چ) رایحه درمانی^{۱۹}: در بسیاری از فرهنگ‌ها از «روغن‌های فرار»^{۲۰} جهت درمان، تسکین، احساس راحتی و تمدد اعصاب استفاده شده است. جهت استحصال و استخراج این روغن‌ها یا عطرها از روش‌های خاصی بهره می‌گرفته‌اند که ابن سینا پزشک مشهور ایرانی بنیانگذار روش تقطیر امروزی بوده است.

ح) کایروپراکتیک^{۲۱}: از تکنیک‌های خاصی جهت تشخیص و درمان اختلالات ستون مهره‌ها، مفاصل و عضلات استفاده می‌کند. روش‌های مشابه با اختلافات جزئی نیز وجود دارد. در هر حال متخصصان این رشته از فشارهای مستقیم به مهره‌های خاص در جهت رفع مشکلات مفصل کمک می‌گیرند. این روش ریشه در یونان باستان دارد اما به کارگیری مجدد آن توسط امریکایی‌ها (۱۸۹۵) و بعد از آن اروپایی‌ها باعث رواج آن در غرب شد. از علل گرایش مردم به این روش درمانی می‌توان شیوع بیماری‌های مفصلی را نام برد که پزشکی رایج در درمان آنها توفیق چندانی نداشته است.

خ) رفلکس درمانی^{۲۲}: این روش درمانی ریشه در مصر و چین باستان دارد که معتقد بودند دست‌ها و پاهای انسان آینه بدن او هستند و نقاط خاص رفلکسی در کف دست و پا با ارگان‌ها، غدد و اعضای بدن او ارتباط دارند و در صورت تحریک می‌توانند روی آنها تأثیر بگذارند. بنابراین با توجه به اینکه طبق تشخیص طبیب بیماری مربوط به کدام عضو بدن باشد نقطه خاصی در کف دست و پا تحریک می‌شود.

د) یوگا^{۲۳}: یوگا نوعی دستورات ذهنی و بدنی است که در اصل برای ایجاد آمادگی‌های جسمی و روحی استفاده می‌شده است. ریشه یوگا در سیستم طب سنتی هند یعنی آیورودا می‌باشد که قدمتی حدود ۵۰۰ سال دارد.^{۲۴}

۲-۴- ویژگی‌های طب سنتی

الف) اعتقاد به اینکه حیات مجموعه‌ای از جسم فیزیکی فرد، احساسات، افکار و روح

19. Aroma Therapy
20. Essential Oils
21. Chiropractic
22. Reflexology
23. Yoga

۲۴. آموزش مقدماتی طب سنتی، بر اساس تقریرات دکتر محسن ناصری، صص ۲۳-۲۱.

او است و سلامتی بیان تعادل میان جنبه‌های متضاد بدن انسان و تعادل میان انسان و محیط است. بیماری زمانی رخ می‌دهد که فرد از نظر فیزیکی، احساسی، روحی یا فکری از تعادل خارج شود.

ب) طب سنتی دیدگاهی کل‌نگر برای تشخیص و معالجه داشته و فرد را در کلیت خود و در محیط بومی وی مورد بررسی قرار داده و معمولاً نگاهش صرفاً متوجه عضو بیمار نیست. اغلب درمانگران طب سنتی توصیه‌هایی برای شیوه زندگی و رفتار سلامتی ارائه می‌دهند.

پ) طب سنتی مبتنی بر نیازهای افراد است. ممکن است افراد مختلف به شیوه متفاوتی معالجه شوند، حتی اگر طبق دیدگاه طب نوین بیماری یکسانی داشته باشند. طب سنتی معتقد است هر فردی ساختار مخصوص به خود و شرایط اجتماعی خاص خود را دارد که منجر به عکس‌العمل‌های متفاوتی نسبت به علل بیماری و شیوه معالجه آن می‌شود.^{۲۵}

۲-۵- اهمیت و ضرورت حمایت از طب سنتی

مهم‌ترین دلیل بر اهمیت حمایت از طب سنتی سهولت دسترسی و ارزان بودن آن است. در واقع ۱/۳ جمعیت جهان و بیش از نیمی از فقیرترین مردمان آسیا و آفریقا به داروهای ضروری دسترسی ندارند. طب سنتی کفایت خود را در برخی زمینه‌ها چون درمان‌های جسمی، جلوگیری از بیماری، معالجه بیماری‌های غیرواگیردار، بهبود کیفیت زندگی برای افرادی که بیماری‌های مزمن دارند و برای افراد سالمند نشان داده است.^{۲۶}

همچنین استفاده از طب سنتی در کشورهای توسعه‌یافته نیز روز به روز بیشتر می‌شود. از دلایل این امر آثار معکوس داروهای شیمیایی بر بدن انسان است. بسیاری از افرادی که با بیماری‌های مزمن یا بیماری‌های ناتوان‌کننده‌ای چون سرطان، دیابت، بیماری‌های قلبی و روحی دست به گریبانند معتقدند که طب سنتی نسبت به طب نوین رایج ابزارهای بهتری را برای درمان در اختیار قرار می‌دهد.^{۲۷}

به علاوه در دهه‌های اخیر علم نوین بیشتر به طب سنتی متمایل شده و فهمیده که از درهم آمیختن طب سنتی با طب غربی می‌توان راه‌حل‌های مفیدی برای انواع بیماری‌ها پیدا کرد. بسیاری از داروهای گیاهی اساس داروهای نوین را شکل می‌دهد. اما آنچه ضرورت حمایت حقوقی از طب سنتی را بیش از پیش آشکار می‌سازد، وقوع

25. WHO, *Regional Strategy for Traditional Medicine in the Western Pacific*, 2002, available at: <http://www.wpro.who.int/publications/docs/RS_tradmed.pdf> p. 4.

26. WHO, *Legal Status of Traditional Medicine and Complementary/Alternative Medicine: A Worldwide Review*, pp. 3-4.

27. WHO, *WHO Traditional Medicine Strategy 2002-2005*, 2002, available at: <http://whqlibdoc.who.int/hq/2002/who_edm_trm_2002.1.pdf>, p. 2.

سرقت زیستی در اشکال مختلف آن است که امروزه تبدیل به مسأله‌ای نگران کننده برای جوامع بومی و محلی کشورهای در حال توسعه شده است.

سرقت زیستی معانی متعددی دارد که عبارتند از: تحصیل منابع ژنتیک یا طب سنتی بدون اجازه دارندگان آن، مواردی که منافع ناشی از استفاده تجاری از منابع ژنتیک یا طب سنتی با فراهم کننده آن تسهیم نمی‌شود، مواردی که طب سنتی تحت نظام مالکیت فکری حمایت شده، مخصوصاً پتنت، صرفاً با کپی برداری از طب سنتی و بدون اینکه دارندگان این حقوق ابتکاری انجام داده باشند، هرگونه حمایت مالکیت فکری از ابداعات بیوتکنولوژیکی که مبتنی بر طب سنتی یا منابع ژنتیک است، صرف‌نظر از اینکه آیا شروط قابل اجرا برای دسترسی به این منابع یا این دانش، تسهیم منافع، یا اکتساب حقوق مالکیت فکری رعایت شده است یا خیر؟^{۲۸}

همان‌طور که در ابتدای این بخش در خصوص اهمیت حمایت از طب سنتی گفته شد، طب سنتی تنها راه درمان ارزان قیمتی است که در دسترس مردم فقیر دارد. همچنین بسیاری از مردمان جوامع بومی و محلی از طریق آن - مثلاً از طریق کاشت گیاهان دارویی یا فروش آن - ارتزاق می‌کنند. با وقوع سرقت زیستی خیل عظیمی از جمعیت جهان منبع مهم درآمد و تأمین غذا و داروی خود را از دست می‌دهند.

۳- مبانی حمایت از طب سنتی در شریعت اسلامی

پیش از آنکه مبانی حمایت از طب سنتی را در شریعت اسلامی بررسی نماییم، لازم است ادله مخالفان حمایت از طب سنتی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

الف) ادله مخالفان حمایت از طب سنتی

۱- لزوم اشاعه علم

از جمله ادله مخالفان حمایت از طب سنتی و حقوق جوامع بومی مسأله لزوم اشاعه علم است. طبق نظر ایشان حمایت از طب سنتی در تنافی با شریعت اسلام خواهد بود، زیرا برای دارندگان آن به نوعی ایجاد انحصار کرده و مانع از استفاده آزاد دیگران از این دانش می‌شود. حال آنکه مستندات متعددی در اسلام در خصوص لزوم اشاعه علم و عدم ارتزاق

28. Christoph Beat Graber and Martin A. Girsberger, "Traditional Knowledge at the International Level: Current Approaches and Proposals for a Bigger Picture that Include Cultural Diversity", in: Hansjörg Seiler & Jörg Schmid (eds.), *Recht des ländlichen Raums*, Festgabe der Universität Luzern für Paul Richli zum 60. Geburtstag, Schulthess, Zurich 2006, pp. 243-282, available at: <<http://www.unilu.ch/files/Traditional-Knowledge.pdf>>, p. 8.

از آن وجود دارد. از جمله آیاتی که مورد استناد این دسته از فقها قرار گرفته آیه کتمان^{۲۹} می‌باشد. آیه کتمان بیان می‌دارد: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» معنی آیه چنین است: آن گروه اهل کتاب که آیات و واضحه‌ای را که برای راهنمایی خلق فرستادیم کتمان نموده و بعد از آنکه برای هدایت مردم در کتاب بیان کردیم پنهان داشتند، آنها را خدا و تمام جن انس و ملک نیز لعن می‌کنند. شأن نزول این آیه این واقعه بوده که عده‌ای از مسلمانان سؤالاتی از دانشمندان یهود پیرامون مطالبی از تورات کرده و آنان واقع مطلب را کتمان و از توضیح آن خودداری کردند. لذا فقها از این آیه اینگونه استنباط کرده‌اند که هیچ علم و دانشی را نباید پنهان داشت و اگر دانشمندان به علمی دسترسی پیدا کردند باید آن را برای عموم عرضه کنند، حال آنکه حمایت از طب سنتی سبب ایجاد انحصار برای دارندگان آن شده و دسترسی آزاد دیگران را نسبت به آن محدود می‌سازد.

آیه دیگری که مورد استناد این دسته از فقها قرار گرفته آیه سؤال^{۳۰} است. در این آیه آمده است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». آیه مورد بحث به یکی از اشکالات معروف مشرکان پاسخ می‌گوید. آنان می‌گفتند چرا خداوند فرشته‌ای را برای ابلاغ رسالت نازل نکرده است و یا می‌گفتند که چرا پیامبر مجهز به یک نیروی فوق العاده نیست که ما را مجبور به ترک کارهایمان بنماید. خداوند در پاسخ آنان می‌گوید: ما پیش از تو نیز رسولانی فرستادیم و این رسولان جز مردانی که وحی به آنها فرستاده می‌شد، نبودند. سپس برای تأکید و تأیید این واقعیت اضافه می‌کند: اگر این موضوع را نمی‌دانید بروید از اهل اطلاع بپرسید.

در تفسیر این آیه بیان شده که کلمه «ذکر» به معنای آگاهی و اطلاع است و «اهل ذکر» مفهوم وسیعی دارد که همه آگاهان و اهل اطلاع را در زمینه‌های مختلف شامل می‌شود، لذا آیه فوق بیانگر اصلی اساسی در اسلام است، بدین معنا که به مسلمانان توصیه اکید می‌کند که آنچه را که نمی‌دانند- در هر زمینه‌ای- از اهل اطلاع بپرسند.

در پاسخ به ایراد مطروحه باید گفت که اولاً شرایط آن دوره با عصر حاضر بسیار متفاوت است. در آن زمان تعداد افرادی که سواد خواندن و نوشتن داشته‌اند بسیار اندک بوده و علم نیز به این درجه از پیشرفت نرسیده بوده و بنابراین مسائلی چون سرقت زیستی هم مطرح نبوده است. همچنین در آن زمان وسایل تبلیغاتی و ارتباط جمعی به صورت امروزی وجود نداشته و احتمالاً اگر می‌خواستند مطلبی را به عموم مردم اطلاع دهند، به

۲۹. سوره بقره، آیه ۱۵۹.

۳۰. سوره نحل، آیه ۴۳.

حاضران می‌گفتند و سفارش می‌کردند که ایشان به غایبین برسانند یا به علما می‌گفتند تا آنها به سایر مردم برسانند. بنابراین عده‌ای مطلب را با واسطه و عده‌ای بی‌واسطه دریافت می‌کردند و در واقع عالم یکی از ابزارهای تبلیغی و اطلاع‌رسانی بوده است. لذا در آن زمان کتمان علم به عنوان امری مذموم تقبیح می‌شده است.^{۳۱}

ثانیاً حمایت از طب سنتی نه تنها مانع از اشاعه آن نمی‌شود، بلکه دارندگان آن را تشویق به حفاظت و توسعه بیشتر آن می‌کند. در حالی که عدم حمایت حقوقی از آن باعث ایجاد نوعی بی‌انگیزگی در دارندگان طب سنتی برای افشا و توسعه بیشتر آن می‌شود.

۲- ناسازگاری حمایت از طب سنتی با قاعده تسلیط

طبق قاعده تسلیط مالک حق همه گونه تصرف در مال خویش اعم از مادی و حقوقی را دارد و هیچ‌کس را نمی‌توان بدون مجوز قانونی و شرعی از تصرف در مال خویش منع کرد. برخی معتقدند که حمایت از طب سنتی با قاعده تسلیط در تنافی است، زیرا مثلاً زمانی که یک شرکت داروسازی به منابع ژنتیک و دانش طب سنتی مرتبط با آن دسترسی پیدا کرده صاحب آن دانش تلقی شده و بنابراین باید قادر باشد که هر نوع دخل و تصرفی که می‌خواهد در آن انجام دهد، اما حمایت از طب سنتی و حقوق جوامع بومی و محلی نسبت به آن در تعارض با این قاعده قرار خواهد داشت، زیرا مانع از دخل و تصرف آزاد صاحب آن خواهد شد.

در پاسخ به ایراد مطروحه باید گفت شناسایی حق مالکیت فکری جوامع بومی و محلی نسبت به طب سنتی نه تنها در تنافی با قاعده تسلیط قرار ندارد بلکه در راستای اجرای این قاعده است، زیرا از یک سو این جوامع به طور سنتی مالک سرزمین‌های خویش و منابع موجود در آن بوده‌اند، و از سوی دیگر طب سنتی اثر فکری مشترک مردمان آن جامعه در طول تاریخ است و قاعده تسلیط ایجاب می‌کند که هم بر طب سنتی خود و هم بر منابع ژنتیک سرزمین‌های اجدادی خویش تسلط داشته و قادر به همه گونه تصرف در آن باشند. اما در حال حاضر به دلیل عدم حمایت حقوقی از آن، چنین امکانی برای جوامع بومی و

۳۱. برای اطلاعات بیشتر، نک: سید محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۵، ص ۵۸۵؛ ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و نهم، ۱۳۷۲، تهران، صص ۲۴۵، ۵۴۶ و ۵۴۷؛ مرتضی رحیمی، «مبانی فقهی حقوق مالکیت معنوی در فقه شیعه»، مجله مطالعات اسلامی، ش ۷۳، ۱۳۸۵، صص ۱۳۹-۱۳۷؛ محمود حکمت‌نیا، «بررسی فقهی و اقتصادی مالکیت فکری»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۳۳، ۱۳۸۸، صص ۲۰۱-۲۰۰.

محلّی میسور نبوده و سایر افراد می‌توانند از این منابع و طب سنتی مرتبط با آن بهره‌مند شوند، بی‌آنکه وجهی به این جوامع بپردازند.^{۳۲}

۳- امضائی نبودن حمایت از طب سنتی

از آنجا که مسأله حمایت از طب سنتی در زمان شارع وجود نداشته، لذا اگر چه شارع از این حقوق منع و ردع نکرده، از عدم منع شارع، مشروعیت آن نتیجه گرفته نمی‌شود، زیرا عدم منع شارع در صورتی می‌تواند دلیل بر مشروعیت باشد که چیزی در زمان شارع مورد ابتلا بوده و منعی از آن نشده باشد و حال آنکه مسأله حمایت از طب سنتی در زمان شارع مطرح نبوده است، بنابراین امضاء آن از نظر شارع معلوم نیست.^{۳۳} در مقابل مثلاً حق سبق و تحجیر در عرف زمان شارع رایج بوده ولی شارع از آنها ردع نکرده، از عدم ردع شارع، امضاء وی را استکشاف می‌کنیم و از سوی دیگر عقل نیز بر قابلیت تملک این حقوق دلالت دارد.

در پاسخ به ایراد مطروحه باید گفت، اگر قائل به این قاعده باشیم که «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع حکم به العقل»، بدین معنا که: هر چه را عقل بفهمد و درک کند شرع نیز آن را چنانکه عقل پذیرفته است می‌پذیرد و هر چه را شرع و دین حکم کند عقل نیز می‌پذیرد، در حال حاضر با توجه به وقوع مسأله سرقت زیستی در اشکال مختلف آن عقل حکم می‌کند که نظامی برای حمایت از طب سنتی وضع شود. بنای عقلا نیز بر این قرار گرفته که نظامی برای حمایت از طب سنتی وضع شود.

ضمناً هنگامی که طب سنتی را به عنوان مال به رسمیت می‌شناسیم و مالکیت نیز از نظر شارع محترم شناخته شده است، لذا باید نتیجه بگیریم که شارع آن را امضا نموده است. زیرا شارع مسؤول صدور احکام است و تعیین مصادیق با وی نیست و این امر به خیره و اهل فن واگذار می‌شود. امروزه علاوه بر متخصصان و اهل خبره، عرف نیز بر مالیت داشتن آفرینه‌های فکری و از جمله طب سنتی تأکید می‌نماید.

ب) ادله موافقان حمایت از طب سنتی

۱- قاعده تسلیط

همان‌طور که بیان شد، مفاد قاعده تسلیط که گاه از آن با عنوان قاعده تسلط یاد می‌شود و در عبارت فقها به قاعده سلطنت معروف است، این است که: هر کس می‌تواند در مال خود

۳۲. برای اطلاعات بیشتر، نک: مرتضی رحیمی، همان، صص ۱۴۱-۱۴۰.

۳۳. همان، صص ۱۴۳-۱۴۲.

هرگونه دخل و تصرفی اعم از حقوقی و مادی بکند و هیچ‌کس نمی‌تواند بدون مجوز قانونی و شرعی او را از این تصرفات منع کند. در موارد شک و تردید نسبت به جواز تصرف مالک با استناد به این قاعده گفته می‌شود که با توجه به عدم دلیل شرعی بر منع، مالک مجاز به تصرف است.^{۳۴}

آیات مرتبط با مالکیت را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

آیات مبین مالکیت مطلق و انحصاری خداوند:

«لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^{۳۵}. ملک آسمان‌ها و زمین و آنچه در بین آنها است برای خداوند است و او بر هر چیز توانا است. «وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ...». خداوند شریکی در حکومت ندارد. در این آیات کلمه ملک به معنای فرمانروایی، سلطنت و اقتدار کامل و مطلق نسبت به اشیا تعبیر شده است. حرف «ل» نیز بیان انحصاری مالکیت است. لذا از این آیات می‌توان مالکیت مطلق و انحصاری خداوند را نسبت به کل هستی استنباط کرد.^{۳۶}

آیاتی از قرآن صراحتاً مسأله مالکیت انسان را مطرح ساخته است:

«أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ»^{۳۷} آیا آنها ندیدند که از آنچه با قدرت خود به عمل آورده‌ایم چهارپایانی برای آنها آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟

«وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ»^{۳۸} و کسانی که در اموالشان حقی معلوم است. «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...»^{۳۹} به مال یتیمان نزدیک نشوید، مگر به روشی که نیکوتر است ...

«وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...»^{۴۰} و اموال خود را که خداوند

۳۴. سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (بخش مدنی)، ج ۱، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم،

۱۳۸۴، ص ۲۲۷.

۳۵. سوره مائده، آیه ۱۲۰.

۳۶. سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (بخش مدنی ۲)، ج ۲، تهران، انتشارات سمت، چاپ هشتم، ۱۳۸۷،

ص ۱۱۳.

۳۷. سوره یس، آیه ۷۱.

۳۸. سوره معارج، آیه ۲۴.

۳۹. سوره انعام، آیه ۱۵۲.

۴۰. سوره نساء، آیه ۵.

وسيله قوام زندگی شما قرار داده به دست سفیهان ندهید ...

آیاتی نیز مبین مالکیت استخلافی و نیابتی انسان است:

«آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ...»^{۴۱} به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را نماینده خود در آن قرار داده انفاق کنید...^{۴۲}

در این آیه انسان دعوت به ایثار و فداکاری و گذشت از مواهبی که در اختیار وی قرار دارد شده است، اما این نکته نیز گوشزد شده که فراموش نکنید مالک اصلی خدا است و این اموال و سرمایه‌ها چند روزی به عنوان امانت نزد شما سپرده شده است.^{۴۳}

لذا نظر به آیات فوق می‌توان اینگونه استنباط کرد که مالک حقیقی و فرمانروای مطلق خدا است و وی انسان را در زمین خلیفه و جانشین خویش قرار داده و مالکیت وی نیز به نیابت از خداوند و محدود به اوامر و نواهی او است.

از جمله روایاتی که مستند قاعده تسلیط قرار گرفته، حدیث: «الناس مسلطون علی اموالهم» از پیامبر اکرم است.

مالکیت سه ویژگی دارد: انحصاری، مطلق و دائمی. مطلق بودن بدین معنا است که مالک می‌تواند هر نوع تصرفی که می‌خواهد در مال خود انجام دهد. به عبارت دیگر اصل بر مشروعیت جواز بهره‌مندی از مال است، مگر اینکه قانون نوع خاصی از استفاده را ممنوع کند. منظور از انحصاری بودن این است که فقط مالک و اشخاص مأذون از جانب وی حق استفاده و بهره‌مند شدن از آن مال را دارند و دیگران از استفاده از مال مذکور ممنوع بوده و مالک می‌تواند جلو استفاده سایرین را بگیرد. دائمی بودن بدین معنا است که وقتی فردی مالک چیزی شد به طور دائم حق استفاده و بهره‌برداری از آن را دارد.^{۴۴}

ممکن است برخی در مال بودن طب سنتی تشکیک کرده و مالکیت آن را تحت این قاعده قابل اثبات ندانند. در تعریف مال می‌توان گفت که مال عبارت از هر چیزی است که دارای ارزش دادوستد و مبادله بوده و قابل اختصاص یافتن باشد. با توجه به تحولات و دگرگونی‌های که با پیشرفت علم در جهان رخ داده، ممکن است آنچه امروز به عنوان مال شناخته می‌شود دیروز مال شناخته نمی‌شد. طب سنتی نیز از گذشته‌های دور وجود داشته

۴۱. سوره حدید، آیه ۷.

۴۲. سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (بخش مدنی ۲)، ص ۱۱۴.

۴۳. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۳، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم،

۱۳۷۲، ص ۳۱۴.

۴۴. سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (بخش مدنی ۲)، صص ۱۲۴-۱۲۳.

ولی به عنوان مال شناخته نمی‌شده و ضرورت حمایت حقوقی از آن به این درجه از اهمیت نبوده است. اما در دهه‌های اخیر آشکار شدن آثار منفی داروهای شیمیایی بر بدن انسان و ناتوانی طب نوین در درمان بیماری‌ها منجر به بازشناسی ارزش و اهمیت طب سنتی به عنوان منبعی الهام بخش در ابداع داروهای نوین و درمانی جایگزین و مکمل برای بسیاری از بیماری‌ها شده و بنابراین در عصر حاضر به عنوان یک مال شناخته می‌شود که ارزش دادوستد پیدا کرده و قابل اختصاص یافتن به شخص یا گروهی از اشخاص می‌باشد.

مالیت داشتن طب سنتی از طریق عنوان منفعت و کار نیز قابل اثبات است. اگر معتقد به این مسأله باشیم که کار انسان دارای ارزش می‌باشد و طب سنتی را ثمره کار و تلاش فکری انسان‌های بی‌شماری در طول تاریخ یک سرزمین بدانیم، می‌توان قائل به مالیت داشتن آن شویم. آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^{۴۵} نیز بر ارزش داشتن و مال بودن طب سنتی صحه می‌گذارد. سعی در لغت عرب به معنی مطلق تلاش مادی و معنوی است و مای موصول نیز افاده عموم می‌کند.^{۴۶}

بنابراین نظر به توضیحات فوق ثمره ناشی از فکر و اندیشه انسان نیز مال محسوب شده و لذا طبق قاعده تسلیط دارندگان طب سنتی باید قادر به همه نوع دخل و تصرف در آن بوده و بتوانند مانع استفاده دیگران از آن شوند.

۲- قاعده ید

قاعده ید از مشهورترین و معتبرترین قواعدی است که در اکثر مسائل حقوقی مورد استناد قرار گرفته و دلالت بر مالکیت می‌کند. از مستندات این قاعده روایت مشهوری است که از امام صادق نقل شده است: «من استولی علی شیء منه فهو له»، یعنی کسی که بر چیزی تسلط دارد، آن چیز متعلق به او است. به عبارت دیگر ید به معنای سلطه و اقتدار شخص بر شیء است به گونه‌ای که عرفاً در اختیار وی بوده و بتواند هرگونه دخل و تصرفی در آن به عمل آورد.

بنای عقلا نیز بر این است که وقتی فردی مالی را در تصرف دارد اصل بر این است که وی مالک آن می‌باشد.

متصرف مال ممکن است مالک آن بوده یا با اجازه مالک در اختیار داشته یا حتی ید غاصبانه بر آن داشته باشد. اما مفاد قاعده ید این است که استیلائی فرد بر شیء مثبت

۴۵. سوره نجم، آیه ۳۹.

۴۶. مرتضی رحیمی، پیشین، ص ۱۳۶.

مالکیت شخص است مگر خلاف آن ثابت شود.^{۴۷}

برخی در امکان جاری ساختن قاعده ید در طب سنتی که وجود خارجی ندارد تشکیک کرده و گفته‌اند که قاعده ید فقط نسبت به اعیان اموال کاربرد دارد. در پاسخ باید اظهار داشت، مهم‌ترین دلیل حجیت ید بنای عقلا است همان‌گونه که عقلا در زندگی روزمره برای استیلا بر عین ارزش و اعتبار قائلند، سیطره بر منافع را نیز معتبر می‌شناسند. ثمره بحث در جایی است که فرد مالک عین مال نیست و فقط منافع آن مال به ملکیت وی درآمده است. منفعت نیز به دو صورت قابل تصور است: گاهی به صورت یک شیء مادی در می‌آید مثل میوه یک درخت، گاهی نیز به صورت غیرمادی وجود دارد، مثل صلاحیت خانه برای سکونت. قانون مدنی ایران نیز قاعده ید را در اعیان، منافع و حقوق جاری ساخته است. ماده ۳۵ این قانون بیان می‌دارد: «تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.» بنا به مراتب مذکور می‌توان بیان داشت که قاعده ید مختص به اعیان اموال نبوده، بلکه در اموال غیرمادی نیز جریان دارد.

بنابراین بر مبنای این قاعده مالکیت جوامع بومی و محلی را نسبت به طب سنتی می‌توان اثبات کرد، زیرا سالیان سال این دانش و منابع ژنتیک مرتبط با آن در ید اختیار آنان بوده و در نتیجه اگر فردی خارج از جامعه بخواهد از این دانش و منابع ژنتیک مرتبط با آن استفاده کند طبق قاعده ید باید از صاحبان آن اجازه بگیرد. حال آنکه طبق نظام کنونی مالکیت فکری بخش عمده‌ای از این دانش در قلمرو عموم قرار دارد.

۳- قاعده صحت

از قواعد مشهور فقهی قاعده صحت است. منظور از قاعده صحت این است که اعمال دیگران را اصولاً باید صحیح تلقی کرد مادام که دلیلی بر عدم صحت و حرمت آن اقامه نشده است. این قاعده برای اثبات هر امر مستحدثه‌ای مفید و کارساز است، زیرا بسیاری از مسائل که در صدر اسلام مطرح نبوده و امروز مبتلا به جامعه است با این اصل قابل توجیه و کارگشایی است. این اصل با فطرت بشری نیز سازگاری بیشتری دارد، زیرا گناه و جرم و عمل نامشروع با فطرت انسان سازگاری ندارد، بلکه عارضی بوده و به علل و جهات گوناگون در بشر پیدا می‌شود.

از آیات قرآنی که دلالت بر اعتبار اصل صحت دارد از جمله این موارد را می‌توان

برشمرد:

«... وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...»^{۴۸} با مردم از روی خوبی و نیکی سخن بگویید. در تفسیر این آیه بیان شده که درباره مردم تا چگونگی کارشان معلوم نشده جز به خیر سخن نگوئید، یا به عبارت دیگر اصل را بر صحیح و مشروع بودن عمل آنها بگذارید.^{۴۹}

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ...»^{۵۰} ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری گمان‌ها بپرهیزید، همانا برخی گمان‌ها گناه است.

بنابر این آیه می‌توان گفت که باید در خصوص کارهای مردم ظن خوب داشت و اصل را بر صحت و مشروع بودن آنها گذاشت و از گمان بد در خصوص آنها پرهیز کرد. در خصوص حمایت از طب سنتی نیز اگر امروزه اکثریت به این نتیجه رسیده‌اند که باید مورد حمایت حقوقی قرار گیرد، با توجه به اینکه دلیلی بر حرمت آن از سوی شارع نرسیده است با تمسک به این قاعده می‌توان اصل را بر صحت و اعتبار حمایت از آن گذارد. از قاعده استصلاح یا مصالح مرسله نیز می‌توان در این باب کمک گرفت. منظور از مصالح مرسله، مصلحتی است که دلیل خاصی نه بر وجوب رعایت آن رسیده و نه بر حرمت آن.^{۵۱}

در نتیجه اگر امروزه مصلحت جامعه حکم می‌کند که نظامی برای حمایت از طب سنتی وضع شود، طبق قاعده استصلاح می‌توان پیشنهاد تدوین نظام حمایتی طب سنتی را ارائه داد.

۴- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر بر گرفته از حدیث «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» می‌باشد. مفهوم قاعده مذکور این است که هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر قرار دهد. از آیات قرآنی که به بیان قاعده لاضرر پرداخته این آیات را می‌توان برشمرد:

«... لَا تُضَارُّوْا وَاٰلِدَهُمْ وَاٰلِدَهُمْ وَاٰلِدَهُمْ وَاٰلِدَهُمْ...»^{۵۲} یعنی هیچ مادری نباید به فرزندش ضرر برساند و نیز هیچ پدری نباید به فرزندش زیان بزند.

۴۸. سوره بقره، آیه ۸۳

۴۹. سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (بخش مدنی)، ص ۱۹۷.

۵۰. سوره حجرات، آیه ۱۲.

۵۱. ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۴،

ص ۲۳۵.

۵۲. سوره بقره، آیه ۲۳۳.

«... مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ...»^{۵۳} یعنی پس از وصیتی که بدان وصیت می‌شود یا دینی غیر ضرر رساننده. منظور وصیتی است که در آن موصی به ضرر ورثه اقرار به دینی نکرده یا وصیتی ظالمانه نکرده است.

«... وَ لَّا يَضَارُّ كَاتِبٌ وَ لَّا شَهِيدٌ...»^{۵۴} یعنی کاتب و گواهی دهنده نباید ضرر برسازند. مثلاً کسی معامله می‌نویسد نباید امری غیرواقع را در سند بیاورد. شاهد نیز فقط باید به آنچه رخ داده شهادت دهد، نه به آنچه که در عالم واقع به وقوع نپیوسته است. از حادثه رخ داده نیز چیزی نگاهد.^{۵۵}

در خصوص طب سنتی نیز باید گفت عدم حمایت حقوقی از آن و به رسمیت نشناختن حق مالکیت جوامع بومی و محلی نسبت به آن ضرر و زیان فراوانی به آنها وارد می‌سازد، زیرا این امر باعث وقوع سرقت زیستی در اشکال مختلف آن می‌شود.

برخی گفته‌اند که قاعده لاضرر جعل حکم نمی‌کند فقط احکام ضرری را - اعم از وضعی و تکلیفی - نفی می‌کند. البته این امر اختلافی است و برخی معتقدند که قاعده لاضرر می‌تواند جعل حکم نیز بکند مهم این است که ضرری به کسی وارد نشود حال چه از طریق جعل حکم و چه از طریق برداشتن حکم.

مسئله دیگر این است که عدم حمایت از دارندگان طب سنتی در تمام موارد ممکن است موجب ضرر آنان نشود، به عبارت دیگر دلیل اخص از مدعا بوده و فقط محدود به موارد ضرری است. در پاسخ باید گفت اصل حمایت از طب سنتی از طریق عناوین دیگری هم چون قاعده تسلیط، احترام مال مردم و ... قابل اثبات است و از قاعده لاضرر می‌توان برای تأیید آن کمک گرفت.^{۵۶}

۵- قاعده احترام مال مردم

مقصود از احترام مال مردم، مصونیت اموال آنان از تصرف و تعدی است؛ بدین معنا که اولاً تجاوز و تعدی نسبت به آنها جایز نیست و ثانیاً در فرض وقوع تعدی و تجاوز، متجاوز مسؤول و ضامن است. این قاعده از احکام امضائی اسلام است، چرا که بنای عقلا و خردمندان بر این امر قرار گرفته و به طور کلی مالکیت مبتنی بر این امر است.^{۵۷}

۵۳. سوره نسا، آیه ۱۲.

۵۴. سوره بقره، آیه ۲۸۲.

۵۵. سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (بخش مدنی)، صص ۱۳۳-۱۳۱.

۵۶. مرتضی رحیمی، پیشین، صص ۱۵۵-۱۵۴.

۵۷. سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (بخش مدنی)، ص ۲۱۳.

از جمله آیات قرآنی که مؤید این قاعده می‌باشد این آیه است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ...»^{۵۸} معنای آیه چنین است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال یکدیگر را به باطل نخورید. این آیه زیربنای قوانین اسلامی در مسائل مربوط به معاملات و مبادلات است و طبق آن هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون مجوز صورت گیرد ممنوع است.^{۵۹}

طبق حدیثی که امام باقر از پیامبر نقل کرده‌اند: «سباب المؤمن فسوق، و قتاله كفر و اكل لحمه معصیه و حرمة ماله كحرمة دمه» یعنی ناسزا گفتن به مؤمن فسق است و جنگ با او كفر است و خوردن گوشت او معصیت است و احترام مال او همانند احترام خون او است. کاربرد این قاعده در مواردی است که امکان کاربرد قاعده ضمان ید، اتلاف و تسبیب مشکل است.^{۶۰}

طبق این قاعده، طب سنتی به عنوان دارایی جوامع بومی و محلی دارای احترام بوده و تجاوز به آن ممنوع و موجب ضمان است. بنابراین باید با وضع قوانینی در رابطه با حمایت از طب سنتی مالکیت این جوامع را نسبت به آن به رسمیت شناخته جلو تجاوز دیگران را گرفت.

از بحث مقدمه واجب نیز می‌توان در این خصوص کمک گرفت. مقدمه واجب یا مقدمه وجود یا مقدمه وجود واجب هر سه به یک معنا بوده و منظور از آن این است که انجام کاری که واجب شده منوط به امر دیگری باشد.^{۶۱} همان‌طور که بیان شد حرمت مال مردم همانند حرمت خون آنها بوده و رعایت آن واجب است. طب سنتی نیز دارایی فکری جوامع بومی و محلی بوده که باید نسبت به آن با احترام برخورد کرد و حق مالکیت جوامع بومی و محلی را نسبت به آن به رسمیت شناخت. وضع قوانینی در باب حمایت از طب سنتی نسبت به قاعده احترام مال مردم، همان مقدمه واجب است.

قاعده دیگری که در واقع به نوعی زیر مجموعه قاعده احترام مال مردم و نشأت گرفته از آن است، قاعده استیفای بلاجهت است. بر مبنای این قاعده عدالت و انصاف اقتضا می‌کند که هیچ‌کس به زیان دیگری دارا نشود. استیفای بلاجهت دارای دو معنای عام و

۵۸. سوره نسا، آیه ۲۹.

۵۹. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۳، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و

یکم، ۱۳۷۲، ص ۳۵۵

۶۰. سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (بخش مدنی)، صص ۲۱۶-۲۱۳.

۶۱. ابوالحسن محمدی، پیشین، ص ۲۲۰.

خاص می‌باشد. در معنای عام شامل ایفای ناروا، اداره فضولی مال غیر و استیفای از عمل و مال غیر می‌شود. اما در معنای خاص فقط ناظر به موردی است که شخص بدون استحقاق به زیان دیگری دارا شود.^{۶۲}

شرایط اجرای قاعده عبارت است از: دارا شدن، بدین معنا که بر دارایی شخص افزوده شود. ورود زیان به شخص دیگر: این دارا شدن باید منجر به زیان فرد دیگر باشد. بدون مجوز قانونی صورت گیرد: بدین معنا که طریق به دست آوردن آن غیرقانونی و بدون علت مشروع باشد.

در خصوص طب سنتی نیز می‌توان گفت زمانی که جامعه با کار و تلاش فکری به نتایجی دست یافته که از نظر مالی دارای ارزش است، و شخص ثالثی بدون اجازه از آن استفاده و بهره‌برداری می‌کند از باب استیفای بلاجهت می‌توان وجود نظام حقوق مالکیت فکری را برای آن توجیه کرد. برخی ایراداتی به این نظام وارد ساخته و آن را مبنایی معتبر برای توجیه حمایت حقوقی از طب سنتی ندانسته‌اند. از جمله گفته شده است که این قاعده در مصادیق کاربرد دارد و کشش این را ندارد که به عنوان مبنایی برای وضع قاعده در نظر گرفته شود.^{۶۳}

به عبارت دیگر باید در عالم واقع فردی از طب سنتی بهره‌ای برده و زبانی به جوامع بومی و محلی وارد شود تا بتوان به استناد این قاعده جلوی وی را گرفت. در پاسخ به این ایراد می‌توان بیان داشت که به منظور ممانعت از وقوع استیفای بلاجهت از طب سنتی بهتر آن است که نظامی برای حمایت از آن وضع شده تا جلوی استفاده غیرمجاز دیگران را بگیرد.

۶- قاعده سبق

از جمله دلایل مورد استناد برای اثبات مشروعیت حمایت از طب سنتی قاعده سبق است. مستند قاعده مذکور این حدیث است: «هر کس پیشی بگیرد بر آنچه که قبلاً کسی به آن پیشی نگرفته است، وی به آن سزاوارتر است.» مفهوم قاعده مذکور این است که هر کس نسبت به استفاده از مباحات یا مکان‌های مشترک سبقت بگیرد مادام که اعراض یا مدت مدیدی آن را رها نساخته حق اولویت داشته و کسی نمی‌تواند مزاحم وی شود. قاعده سبق

۶۲. حبیب‌الله رحیمی، استفاده بلاجهت (مطالعه تطبیقی)، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸، صص ۱۹-۱۷.

۶۳. محمود حکمت‌نیا، مبانی مالکیت فکری، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،

منبعی برای نظم حقوقی نسبت به بهره‌برداری از مشترکات است.^{۶۴} طبق این قاعده جوامع بومی و محلی نیز نسبت به استفاده از منابع ژنتیک و طب سنتی مرتبط با آن دارای حق اولویت در انتفاع می‌باشند و اگر شخص ثالثی بخواهد از آن استفاده کند باید از صاحبان آن اجازه بگیرد. در حالی که طبق نظام کنونی حقوق مالکیت فکری بخش عمده‌ای از طب سنتی در قلمرو عموم فرض شده است. با استناد به این قاعده می‌توان مشروعیت حمایت از طب سنتی تحت نظام حقوق مالکیت فکری را توجیه کرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث فوق روشن شد که امروزه آفرینه‌های فکری به عنوان مال شناخته شده و علاوه بر ارزش معنوی دارای ارزش مادی فراوان نیز می‌باشند. این مسأله دنیا را به سوی اتخاذ راهکارهایی برای حمایت از این اموال که اهمیت زائدالوصفی در بهبود و تسهیل زندگی بشری و سهم عمده‌ای در تجارت جهانی دارند، سوق داده است. طب سنتی نیز به عنوان دارایی فکری جوامع بومی و محلی از این قاعده مستثنا نبوده و مخصوصاً وقوع سرقت زیستی در اشکال مختلف، بر ضرورت حمایت از آن افزوده است. در فقه اسلام مسأله مالکیت فکری به طور اعم و حمایت از طب سنتی به طور اخص از مسائل مستحدثه است که در زمان شارع سابقه نداشته و لذا در خصوص آن حکمی نرسیده است. لیکن بر اساس عموماً و اصول پذیرفته شده در قواعد فقهی و شرعی حمایت از طب سنتی بلاشکال و حتی ضروری است. بنابراین با توجه به مراتب فوق معلوم می‌گردد طراحی نظام حمایتی برای حفظ حقوق دارندگان طب سنتی با مبانی شرعی مطابقت دارد، خصوصاً با توجه به غنای منابع طب اسلامی و به منظور ممانعت از استفاده غیرمجاز از آنها، بهتر است در این خصوص اقدام به قانون‌گذاری شود.

فهرست منابع

- آموزش مقدماتی طب سنتی، بر اساس تقریرات محسن ناصری، تهران، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۸۴.
- حکمت‌نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
- رحیمی، حبیب‌الله، استفاده بلاجهت، مطالعه تطبیقی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان در تفسیر قرآن کریم، ج ۱، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی

۶۴. سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (بخش مدنی)، ص ۲۸۳.

- همدانی، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی ۲)، ج ۲، تهران، انتشارات سمت، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، ج ۱، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴.
- محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۴.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و نهم، ۱۳۷۲.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۳، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۲.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۳، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و یکم، ۱۳۷۲.
- حکمت‌نیا، «بررسی فقهی و اقتصادی مالکیت فکری»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۳۳، ۱۳۸۸.
- رحیمی، مرتضی، «مبانی فقهی حقوق مالکیت معنوی در فقه شیعه»، مجله مطالعات اسلامی، ش ۷۳، ۱۳۸۵.

نقیسی، ابوتراب، «نظری به طب سنتی یا قدیم ایران»، مجله وحید، ش ۳۷، بی تا.

WIPO, *WIPO Intellectual Property Handbook: Policy, Law and Use*, Chapter 1, Introduction, available at: <<http://www.wipo.int/export/sites>>, last visited 2010

WIPO, *WIPO Intellectual Property Handbook: Policy, Law and Use*, Chapter 2, Fields of Intellectual Property, available at: <<http://www.wipo.int/export/sites>>, last visited 2010

Beat Graber, Christoph and Martin A. Girsberger, "Traditional Knowledge at the International Level: Current Approaches and Proposals for a Bigger Picture that Include Cultural Diversity", in: Hansjörg Seiler & Jörg Schmid (eds.), *Recht des ländlichen Raums*, Festgabe der Universität Luzern für Paul Richli zum 60. Geburtstag, Schulthess, Zurich 2006, pp. 243-282, available at: <<http://www.unilu.ch/files/Traditional-Knowledge.pdf>>

WHO, *Legal Status of Traditional Medicine and Complementary/Alternative Medicine: A Worldwide Review*, 2001, available at: <http://whqlibdoc.who.int/hq/2001/WHO_EDM_TRM_2001.2.pdf>

WHO, *Regional Strategy for Traditional Medicine in the Western Pacific*, 2002, available at: <http://www.wpro.who.int/publications/docs/RS_tradmed.pdf>

WHO, *WHO Traditional Medicine Strategy 2002-2005*, 2002, available at: <http://whqlibdoc.who.int/hq/2002/who_edm_trm_2002.1.pdf>

The Protection of Traditional Medicine in Quran and Islamic Jurisprudence

Mahdi Zahedi (Ph. D.) & Samira Gholamdokht

Traditional medicines are being used as complementary medicines in the health sector. Indigenous peoples depend on traditional knowledge for their livelihoods and well-being and so they can manage and exploit their local ecosystems. Local communities also depend on traditional medicines for their primary health care. If traditional knowledge is protected and commercialized, individuals, communities and national economies will benefit. The vast country of Iran is rich in diversity and there is a need to update its law, including the Intellectual property laws, in order to protect this diversity. However the protection of Intellectual property including Traditional Medicine is a newly occurred problem in the Islamic law. The Islamic jurists do not have the same idea about accepting or rejecting of Intellectual property as a property and it has become a topic of numerous controversies among them. As regard to the necessity of being in accordance to *Sharihhh* for all laws. The purpose of this article is to prove the legitimacy of protection of Traditional Medicine under *Koranic* verses and in the bases Islamic jurisprudence.

Keywords: Intellectual Property, Traditional Medicine, *Quran*, Islamic Jurisprudence, Islamic Law, Health Care

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. X, No. 1

2011-1

Articles

- ICC Arbitration Rules on Multiple Parties and Multiple Contracts
- The Concept and the Causes of Divorce in the Legal System of Iran and English Law
- Some Considerations on the Compensation for the Nuclear Damages Based on International Conventions of Nuclear Civil Liability
- The Protection of Traditional Medicine in *Quran* and Islamic Jurisprudence
- Individual and Social Rights in the Criminal Procedures: Some Challenges
- The Concept of Representations in the First Assembly (*Mashruteh*)

Special Issue: 105 Years of Legislation Experience in Iran

- The Protection of the Principle of Transparency by Constitutional Courts
- Law Approach Challenges: Law Validity and Law Reliability
- The Relationship between Rule of Law and Religious Law in *Mashruteh* Legal System
- The Place of Simile in the Process of Codification of Law
- A Brief Study on the Theoretical Foundations of Experimental Legislation
- The Approach of Legislation in Electronic Contracts
- Measuring the Strength of Iran's Patent Rights by Focusing on Iranian Patent Act 2008

Critique and Presentation

- On the Title of Criminal Law
- An Analysis of Judgment of the European Court of Justice in Case of *Fulmen* and *Mahmoudian*: When the Dream of Judicial Review of UN Sanctions Comes True



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study

ISSN: 1682-9220